گزارش

۵۱ کتاب‌فروشی شهر وعده‌گاه کتاب دوستان

طرح فصلی تخفیف کتاب در مشهد اجرا می‌شود

غزاله حسین‌پور| طرح‌های فصلی فـروش کتـاب با تخفیف، اتفاق خوشایندی در سال‌های اخیر بوده است که با توجه به افزایش افسارگسیخته قیمت کتاب، اهمیت آن روشـن‌تر می‌شود. این طرح‌ها که هرسال به صورت فصلی در کشور اجرا می‌شود، طـرف‌داران فراوانـی هـم دارد. کتاب‌خوان‌ها که بخـش مهمی از آن‌ها از دیـد درآمد، جزو اقشـار متوسط و متوسط به پایین جامعه هسـتند، در محدوده‌هـای زمانی طرح، حضـور چشـمگیری در کتاب‌فروشـی‌ها پیدا می‌کنند تا کتاب‌های دلخواه خود را با قیمتی مقرون‌به‌صرفه‌تـر تهیـه کننـد. همچنیـن ایـن اتفـاق می‌تواند انگیزه‌ای برای جـذب دیگران به مطالعه و خرید کتاب باشد. روشن است که با حمایت مالی مسئولان فرهنگی از فروشندگان، رونق این تجارت خشنودی انتشـاراتی‌ها و پخش‌کنندگان و کتاب‌فروش‌ها را نیز به همراه خواهد داشـت. پاییز امسال، انتشار خبری مبنی‌بر اجرای محـدود طـرح پاییـزه -فقط در پایتخت- نگرانی‌هایی را پدید آورد. پس از اینکه شـهرآرا پیگیر ماجرا شـد، یکی از مسـئولان ارشاد به خبرنگار ما وعده اجـرای طرح در مشـهد را داد. چنـدی بعد وزارت ارشـاد نیز خبر داد کـه این طرح سراسری اجرا خواهد شد.

طرح پاییزه کتاب ۱۳۹۸ از پنجشنبه ۲۳ آبان آغاز شده‌اسـت و پس از ۸ روز، در ساعت ۲۴ پنجشنبه ۳۰آبان به پایان خواهد رسـید. در این دوره ۵۱ کتابفروش مشـهدی مشارکت کرده‌اند که علاقه‌مندان می‌توانند تا سقف ۱۲۰هزار تومان مطابق بهای پشـت‌جلد از آن‌ها کتاب بخرند و از ۲۰درصد تخفیف بهره‌مند شـوند. طرح پاییزه کتاب همزمان اسـت با بیسـت‌وهفتمین دوره هفته کتاب جمهوری اسـلامی ایران که با شعار «حال خـوش خوانـدن» در حال برگزاری است.

گزارش پیش رو دربردارنده دیدگاه برخی کتاب‌فروشـان مشـهدی و مسئول فرهنگی یادشده درباره این طرح است.

حذف نمایشگاه استانی منطقی‌تر از حذف طرح تخفیف فصلی است

مدیر کافه کتاب آفتاب و انتشارات سـپیده‌باوران، شـرایط نشر و کتاب‌فروشـی‌ها را بحرانی می‌داند و معتقد است طرح تخفیف بهترین طرح یارانه‌ای وزارت ارشـاد است، اگرچه انتقاداتـی را هم به کیفیت اجـرای آن وارد می‌دانـد. عابس قدسی با اشاره به خبر چندی پیش مبنی بر منتفی شدن اجرای طرح در شهرستان‌ها و محدود شدن آن به پایتخت می‌گوید: بودجه این طرح برای کل کشور کمتر از ۳۰میلیارد ریال است. اینکه وزارت ارشاد چطور نتوانسته است این بودجه را تأمین کند تا مـردم بتوانند کتاب‌هایی را که گران شـده‌اند، با تخفیف تهیه کنند، جای پرسش دارد. آیا ارشاد نمی‌توانسـت از بودجه‌های دیگر بکاهد و به این موضوع بپردازد؟ نظر من و بیشتر کتاب‌فروش‌ها این است که می‌توانست.

این فعال نشـر از نوع اولویت‌بندی فعالیت‌های ارشـاد انتقاد می‌کند و توضیح می‌دهد: شـما نمایشگاه کتاب مشـهد را درنظـر بگیرید، بودجه و کیفیت آن تناسـبی با هم ندارد، چون کیفیت نمایشگاه بسیار پایین اسـت و اعتراض همه اهالی کتاب را به دنبال دارد. ولی متأسفانه وزارت و ادارات کل ارشاد به سبب دیده شدن نمایشـگاه‌های استانی حاضر به عقب‌نشـینی از برگزاری آن نیسـتند و از آنجا که معتقدند نمی‌توان روی طـرح پاییزه مانور داد، نمایشـگاه را بـه آن ترجیح می‌دهنـد. این درحالی اسـت که به‌نظرم شلوغی کتاب‌فروشی‌ها در ایام طرح‌های تخفیف فصلی، سبب شگفتی و ایجاد شوق بوده است.

قدسی حذف نمایشگاه‌های استانی را در شـهرهایی چون مشـهد که کتاب‌فروشی‌های پرروپیمانی دارد، به دلایل متعدد منطقی‌تر از حذف طرح پاییزه می‌داند. او اعتقاد دارد نمایشگاه‌های استانی به صنعت نشر آسـیب وارد می‌کنند، درحالی‌که خیر طـرح پاییزه بـه کل چرخه نشر از جمله کتاب‌فروشان، مراکز پخش، ناشـران و کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای می‌رسـد. بـه گفته این کتاب‌فـروش، کتاب‌خوان‌هـای حرفه‌ای آثار مدنظر خود را از میان انبوه کتاب‌هـای کتاب‌فروش‌های حرفه‌ای کشـور انتخاب می‌کنند، نه از نمایشـگاهی که بیشتر مرکز معرفی ناشران بسازبفروشی است که ترجمه‌های جعلی از کتاب‌های مشـهور را بی‌هیچ نظارتی عرضه می‌کنند!

از دیـد او، قیمـت بـالای کتاب مهم‌تریـن عاملی اسـت که وجود طرح تخفیـف فصلـی را ضروری می‌کند.

طرح تخفیف باعث افزایش افراد کتاب‌خوان می‌شود

مدیر کتاب‌فروشی آبان و انتشارات شمشاد اجرای این طرح را ضروری بیان می‌کند و معتقد اسـت باعث خرید بیشـتر مردم می‌شود. امید خواجوی طرح تخفیف فصلی کتاب را برای افزایش شمار کتاب‌خوان‌ها مثبت تلقی می‌کند و می‌گوید: فرد کتاب‌خوان، کتاب خـود را در هر شرایطی می‌خرد، اما با اجرای چنین طرح‌هایـی آن‌ها کـه کتاب‌خوان نیستند نیز به خرید ترغیب و به این قشر اضافه می‌شوند.

او اضافه می‌کند: بـا توجه به اینکه طرح پاییزه بودجه خاصی احتیاج ندارد، اجرا شـدنش در مشهد نیز امر مثبتـی اسـت. کل بودجه‌ای که بـرای این طـرح درنظر گرفته می‌شـود، حدود یک‌چهارم بودجه نمایشگاهی اسـتانی است که هیچ بازخوردی هم ندارد.

ارشـاد قـول داده اسـت کـه بازپرداخت‌ها طولانی نشود

بنا بـه اعتقاد مدیر کتاب‌فروشـی هیـواد، این طـرح «اگر درسـت اجرا شـود» مطمئنا خوب اسـت. عبدالوهـاب واعظـی در توضیح قیدی کـه قائل شـده اسـت، از مشارکت‌نکردن خود در دوره‌های گذشـته طرح می‌گویـد و تصریح می‌کند: اساس این طرح‌ها حمایت از کتاب‌فروشی‌ها و تخفیفی است که بهره‌اش مسـتقیما به مخاطب می‌رسد، اما متأسفانه در سال‌های پیش بازپرداخت‌های ارشاد بسیار طولانی‌مدت بود. به همین علت ما و خیلی از دوسـتان همکار تمایلی به شـرکت در این طرح نداشتیم و در یکی‌دو دوره گذشته هم شرکت نکردیم. بااین‌حال بـرای حمایت از اهالـی مطالعه، حتی بیشـتر از سقف تعیین‌شـده ارشاد، خودمان تخفیف‌هایی لحاظ می‌کردیم.

این کتاب‌فروش برگزار نشدن طرح پاییزه را نادرسـت می‌داند؛ چراکه بسـیاری از کتاب‌خوان‌ها برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند.

او همچنین از وعده امسال مسئولان مربـوط بـرای بازپرداخـت مبلغ حمایتی ظرف چند مـاه می‌گوید و این وعده را عامل حضور امسال در طرح معرفی می‌کند.

پیگیری شهرآرا طرح پاییزه کتاب را به مشهد آورد

زمانی که این گزارش را می‌خوانید، طرح تخفیف پاییزه کتاب در مشهد محقق شده است. در زمان پیگیری ما درباره چرایی برگزار نشدن طرح و اقدامات اداره کل ارشـاد استان در این‌بـاره، معـاون فرهنگـی و مطبوعاتی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسـلامی خراسـان‌رضوی، ضمن اعلام اینکه مشهد در طرح تابستانه کتاب، بیشترین فروش در کشور را کسب کرده بود، این میزان را رکورد خیلی خوبی برای کتاب‌خوان‌ها و کتاب‌فروشی‌های مشـهد قلمداد کرد.

به گفته افشـین تحفه‌گر، شرایط طرح‌هـای فصلی می‌تواند بسـتر خوبی برای فروشندگان و مخاطبان فراهم کند؛ زیرا با توجه به شـرایط اقتصـادی، مـردم از تخفیف‌های فصلی استفاده می‌کنند و فرصتی فراهم می‌شـود تا شـهروندان با کتاب بیشتر آشـنایی پیدا کنند و با کتاب‌فروشی ارتباط برقرار کنند.

او بـا تأکید بر اینکه برای تشـویق مردم به کتاب‌خوانی باید طرح‌هایی از این دست گسـترش داده شود، اضافـه کـرد: هم‌اکنـون چندین کتاب‌فروشی بزرگ در شهر داریم کـه تبدیل بـه پاتـوق و مجتمع فرهنگـی شـده‌اند و فعالیت‌های مختلفـی انجام می‌دهنـد که اگر مردم بـا ایـن محیط‌هـا ارتباط برقرار کننـد، می‌توانند از کتاب لذت ببرند.

معـاون فرهنگـی و مطبوعاتـی اداره کل فرهنگ و ارشـاد استان ضمن تشـکر از پیگیـری روزنامه شـهرآرا در این زمینـه، گفت: در میـان درگیری‌های روزمـره، از این خبـر آگاه نشـده بودیم و این پیگیـری باعـث شـد بتوانیم در پی اجـرای طرح پاییـزه کتاب در مشهد باشیم.

صاحب خبر

نام نویسنده مشهدی در میان نامزدهای جایزه جلال آل‌احمد

نامزدهای بخش داسـتان بلند و رمان دوازدهمیـن جایزه جلال آل‌احمد درحالی معرفی شـدند که نام یک نویسنده شناخته‌شده مشهدی در میان اسامی آن‌ها دیده می‌شود.

روز گذشته اسامی ۶نامزد راه‌یافته به مرحله نهایی بخش «داستان بلند و رمان» در دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد اعلام شد.

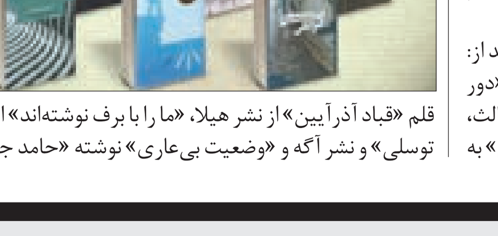

کتاب‌های نامزدشـده در این بخش به ترتیب الفبـا عبارت‌اند از: «بی‌کرانگی» نوشـته «مهدی ابراهیمی لامع» از نشر نیماژ، «دور زدن در خیابان یکطرفه» به قلم «محمدرضا مرزوقی» از نشر ثالث، «روزها و رؤیاها» نوشته «پیام یزدانجو» از نشر چشمه، «فوران» به قلم «قباد آذرآیین» از نشر هیلا، «ما را با برف نوشته‌اند» از «نسیم توسلی» و نشر آگه و «وضعیت بی‌عاری» نوشته «حامد جلالی» از انتشارات شهرستان ادب. این کتاب‌ها را «شهریار عباسی»، «هادی خورشـاهیان» و «احسـان رضایی» داوری و به عنوان نامزدهای مرحله نهایی دوازدهمین دوره جایـزه ادبی جلال آل‌احمد معرفی کرده‌اند.

پیام یزدانجو، داستان‌نویس و مترجم مشـهدی، با قرار گرفتن در میان نامزدها این بخـت را پیدا کرد که برگزیـده احتمالی جایزه گران‌قیمت جلال باشد. از این نویسـنده چهل‌وچهارساله و نسبتا پرکار، تاکنون آثاری داستانی چون «فرانکولا، یا پرومته پسامدرن»، «باران بمبئی» و «روزها و رؤیاها» و ترجمه‌هایی در زمینه فلسفه و ادبیات مانند «فوکو را فراموش کن»، «ادبیات پسـامدرن: گزارش، نگرش، نقادی»، «بینامتنیت» و «فرهنگ اندیشه انتقادی» به چاپ رسیده است.

کتابخوان

تجربه زیستن در دوران حکومت توتالیتر به زبان مردم

نگاهی به کتاب «زمان دست دوم» نوشته سوتلانا آلکسیویچ

رضوانی- «متوجه چه چیزی شـدم؟ اینکه قهرمانـان یک دوران به ندرت قهرمانان دوران دیگری می‌شـوند.» این نخستین جمله نخستین مصاحبه‌شونده‌ای است که سوتلانا آلکسیویچ برای کتابش «زمان دست دوم» انتخاب کرده است. آثار منتشرشده از این نویسنده و روزنامه‌نگار بلاروسی بر موضوعی واحد اما بر پایه مصاحبه‌های متنوع و متکثر است. آنچه خودش چندصدایی می‌خواند. در سال ۲۰۱۵ نیز به دلیل «آثار چندصدایی و خاطرات رنج و شجاعت زمان ما» جایزه نوبل به او اهدا شد.

آثار او محل جولان یک قهرمان نیست، راویان او قهرمان‌هایی هستند که ویژگی مهمشان حضور در دل حادثه یا دورانی خاص است. او استاد بیرون کشیدن ماجراهایی هولناک و دهشتناک از آدم‌ها و مکان‌هایی است که کسی فکرش را نمی‌کند. مثلا در کتاب «جنگ چهره زنانه ندارد» با زنی مسن روبه‌رو می‌شویم که در جنگ جهانی دوم پارتیزانی تک‌تیرانداز بوده است و نویسـنده او را در یک آشپزخانه کوچک در شهری دور افتاده پیدا کرده است. «زمان دست دوم» جدیدترین اثر آلکسیویچ است که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد و در سال ۲۰۱۶ Washington Post و Publishers weekly و بسـیاری از انتشـاراتی‌ها و روزنامه‌های معتبر جهانی آن را به‌عنوان یکی از ۱۰کتاب برتر سـال انتخاب کردند. Washington Post درباره این کتاب نوشته اسـت: «نویسنده این حس صمیمیت را به شما القا می‌کند که اگر در آشپزخانه نشسته باشید و شـخصیت‌ها را مطالعه کنید، با آن‌ها در شادی و رنج‌هایشان شـریک می‌شـوید.» روزنامه News day نیز نوشت: «اگر می‌خواهید روسیه معاصر را بشناسید، مطالعه

کتاب «زمان دست‌دوم» برایتان ضروری است.» آلکسیویچ در این اثر به روایت دورانی گذر کرده از دریچه ذهن و زندگی افرادی که آن را زیسته‌اند، می‌پردازد. او در مقدمه کتابش نوشته است: «حال زمان وداع با دوران شوروی و زندگی گذشته‌مان است و من بر آنم تا با گذار از وادی طرف‌داری و غرض‌ورزی، حرف‌های همه افرادی را که در درام سوسیالیستی شرکت داشتند، گوش کنم...»

در ایران نیز مهدی یزدانی‌خرم، نویسـنده و روزنامه‌نگار، در صفحه اینسـتاگرام خود درباره «زمان دسـت دوم» نوشـته اسـت: «اگر آلکسیویچ همین یک کتاب را نوشته بود و دیگر هیچ، کافی بود برای آنکه بر قله مستندنگاری ادبی بایستد. [...] داستان نسلی که فروپاشی امپراتوری شوروی را تجربه کرد. آلکسیویچ مانند سایر آثارش چون «جنگ چهره زنانه ندارد» یا «نیایش چرنوبیل» با صدها نفر مصاحبه و معاشرت کرده است تا به این روایت برسد. تنوع آدم‌ها در جغرافیای وسیع شوروی سابق در این کتاب شـگفت‌انگیز است. آدم‌هایی که زندگی‌شان با سقوط شوروی کاملا زیرورو می‌شود. از یک قهرمان جنگ جهانی دوم که بعد از فروپاشی دیگر کسی به او احترام نمی‌گذارد و در نهایت با مدال‌هایش خود را جلو قطـار می‌اندازد تا مادری که تنها دخترش در جنگ چچن کشته می‌شود و درمی‌یابد دستی پنهان در کار است. از فلان دبیر محلی حزب که ناگهان می‌فهمد دیگر چیزی به نام شوروی مُرده تا دختر جوانی کـه نفرت دارد از گذشته فقیرانه‌اش. نویسنده

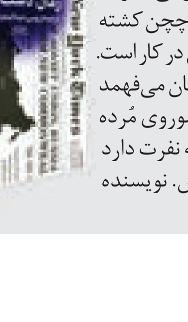

قصه‌هایی را کشف می‌کند که در آن سـقوط یک نظام توتالیتر به اضمحلال و گاه حیرت نسـل‌های قدیمی‌تر انجامیده است [...] یا روایتِ عاشـقانِ کمونیسـم که هنوز بر آرمان‌های خود پافشاری می‌کنند. آلکسیویچ نشـان می‌دهد چگونه و یک‌شبه قهرمان‌های کتاب‌های درسی نوجوانان تبدیل می‌شوند به مشتی احمق. چطور مجسمه‌های غول‌آسا خُرد می‌شوند. از سویی گرسنگی و فقر هولناک بعد از فروپاشی، فلان استاد دانشگاه را وادار به جمع کردن ته‌سیگار می‌کند. عشق‌ها، مرگ‌ها، مدال‌ها، فریادها. کتاب مملو از زمانی است ازدست‌رفته. غمِ خردشدن ملتی که هم از گذشته‌اش دلِ خوش ندارد هم وضعیت کنونی‌اش طاقت‌فرساست. انسانی که گیرِ افتاده میان این ۲هیچ بزرگ. خاطراتش دوتکه شده‌اند. قصه آدم‌های آلکسیویچ فراتر از زنده‌باد و مُرده‌باد است. ورای ضدیت یا همراهی با شوروی. او راوی روحی است که ناگهان دریافته تمام گذشته‌اش دود شده است و از سویی دیگر برای شرایط تازه آماده نیست. به قول نویسنده که جایی گفت «شاید نسل انسان شـورویایی باید از بین برود تا روند تازه‌ای رقم بخورد». «زمان دست دوم» کاملا روشن می‌کند چرا جایزه نوبل حق این زنِ روایت‌ساز است.»

نشـر چشـمه به تازگی «زمان دسـت دوم» را با ترجمه عبدالمجید احمدی منتشر کرده اسـت. پیش از این نیز ترجمه‌هایی از این اثر وارد بازار شده بود که ترجمه شهرام همت‌زاده از زبان روسـی که انتشـارات کتاب نیستان آن را منتشر کرده اسـت، از مهم‌ترینِ آن‌هاست. نقل‌قول‌های مربوط به کتاب در اینِ یادداشت از همین ترجمه برگرفته شده است.

به روایت تصویر

آبرنگ‌هایی از «میراث نیاکان»

سبزه قبا- این روزها نگارخانه رادین، میزبان آثار نقاشی الهه عامری هنرمند مشهدی است؛ هنرمندی که علاقه‌اش در میان تکنیک‌های هنر تجسمی، کار با آبرنگ است. عامری بعد از «باغ بی‌برگی» و «تاریخ ترک‌خورده» سومین نمایشگاه انفرادی خود را با عنوان «میراث نیاکان» برگزار کرده است.

«میراث نیاکان» میزبان نقاشی‌هایی از بناهای تاریخی خراسان بزرگ است؛ خراسانی که از ایران تا افغانستان و تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان وسعت داشته است.

در «میراث نیاکان» ۱۹ اثر در ابعاد مختلف به‌زیبایی کنار هم جاگرفته‌اند و با جزئیاتی که بادقت ترسیم شده‌اند، سفری تاریخی را برای بیننده رقم می‌زنند.

در این نمایشگاه، یک مجموعه از تربت جام نیز وجود دارد که شامل پنج اثر می‌شود و آن پنج اثر در ورودی نمایشگاه، هر بازدیدکننده‌ای را به خود مجذوب می‌کند و او را وامی‌دارد که تا پایان، دیگر آثار را تماشا و جزئیات بیشتری را جست‌وجو کند.

عامری می‌گوید هدفش از یک‌سال‌ونیم زمانی که برای آماده کردن این مجموعه گذاشته، این بوده است که بدانیم چه پیشینه‌ای داشته‌ایم و نیاکان ما برایمان چه میراثی را به‌جا گذاشته‌اند.

فروش آثار و دیده‌شدن اثر، دو عاملی است که عامری از آن‌ها نام می‌برد تا باعث شود یک نقاش ترغیب شود کار خود را ادامه دهد و در مسیری که گام برداشته است، ثابت‌قدم بماند: «به‌نظرم یک هنرمند باید کارش دیده شود و به فروش برسد تا بتواند ادامه بدهد، نه‌تنها فروش آثار که دیدن‌شدن آثار هم برای هنرمند مهم است.»

در افتتاحیه این نمایشگاه، رجبعلی لباف‌خانیکی، باستان‌شناس، حضور داشت و عبدالرحمان باطوری، از دوتارنوازان پیش‌کسوت تربت‌جام، هم به اجرای قطعاتی از موسیقی مقامی پرداخت.

«میراث نیاکان» تا چهارشنبه ۲۹آبان از ساعت ۱۷ تا ۲۱ در بولوار سجاد، حامدجنوبی ۱۲، نگارخانه رادین، پذیرای علاقه‌مندان به تاریخ، میراث فرهنگی و هنر است.

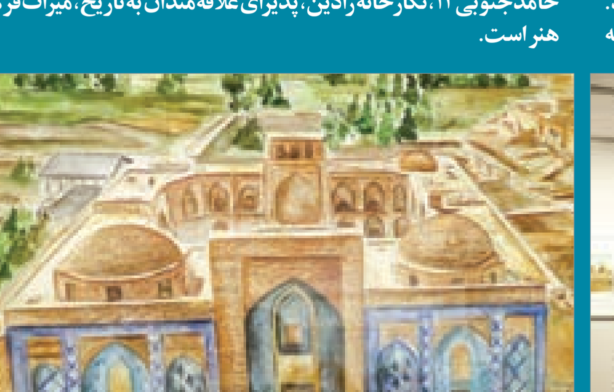

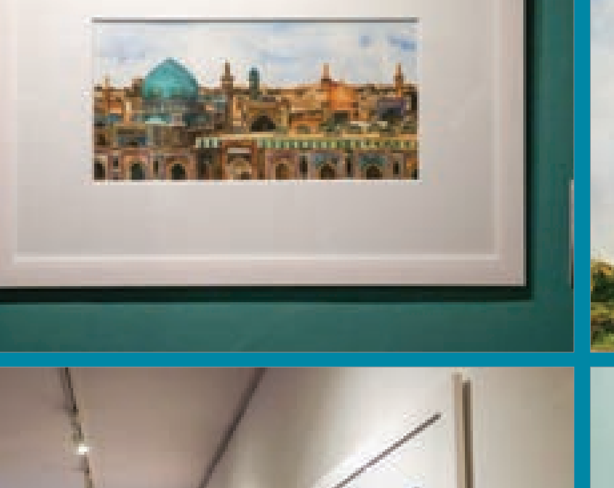

عکس‌ها: محمدحسن صلواتی | شهرآرا

صاحب خبر

در دیدار مدیر شبکه قرآن و معارف رسانه ملی با مدیر حوزه علمیه خراسان در مشهد مطرح شد

خلأ رویکرد دینی و قرآنی در برنامه‌های کوتاه رسانه‌ای

حمید محمدیان| مدیر شبکه قرآن و معارف رسانه ملی گفت: به‌دنبال تولیداتی هستیم که بتوان آن‌ها را در فضـای مجازی نیز بازنشر داد. جواد شیخ‌اکبری در دیدار با حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمصباح عاملی، مدیـر حوزه علمیه خراسـان در مشـهد، به رویکرد مستندسازی و تولید میان‌برنامه‌هـای کوتـاه در این شـبکه اشـاره و اظهار کرد: باتوجه‌به اینکه خلأ رویکرد دینـی و قرآنـی در برنامه‌های کوتاه با سـاختار جذاب و مخاطب‌پسند وجـود دارد، به‌دنبال تولیداتی هسـتیم که بتـوان در فضای مجازی نیز بازنشر داد، زیرا این عرصه اسـتقبال بیشـتری دارد. او بر ارتباط و تعامل بیشـتر شبکه قرآن با حـوزه علمیه خراسـان تاکید و خاطرنشان کرد: آماده هسـتیم دفتری برای پیگیری امور در مشهد ایجاد کنیم.

همچنیـن، حجت‌الاسلام‌والمسـلمین سـیدمصباح عاملی، مدیر حـوزه علمیه خراسان، در این دیدار به ورود این حوزه به وادی رسانه و فضای مجازی پرداخت و خاطرنشان کرد: به کارهای خوبی در این زمینـه اقدام کرده‌ایم و طبق شناسـایی انجام شده است. هم‌اکنون حدود ۵۰۰نفر از طـلاب فاضـل و عالم حـوزه علمیه خراسان در عرصه هنر و رسـانه فعالیت می‌کنند.

زندگی با سینما

رستگاری در بیست‌وهفت‌سالگی

نگاهی به پرونده بازیگری حامد بهداد در عرصه هنر به مناسبت ۴۶ سالگی‌اش

زوزنی| تقویم نشـان می‌دهد که حامـد بهداد، هنرمنـد مطرح مشـهدی، امروز چهل‌وشش‌ساله می‌شود؛ بازیگری که زندگی در مشهد، تهران و نیشابور را تجربه کرده است و در تئاتر، سینما و تلویزیون و حتی موسیقی حضور فعال و اثرگذاری دارد. امروز و به مناسبت ۴۶سالگی این هنرمند مروری داشتیم بر حضور حرفه‌ای او در عرصه هنر و نیز به بررسی نمایش «عشق من: حامد بهداد» که این روزها در مشهد به‌روی صحنه رفته است، پرداختیم.

بازی حامد بهداد منحصربه‌فرد و به‌گونه‌ای است که یک الگو برای بازیگران جوان‌تر محسوب می‌شود. او یکی از آن افرادی است که با تلاش و زحمت بـه دنیای بازیگری راه یافته اما از همان ابتدا پایش را محکم در این دنیا گذاشـته اسـت. او تقریبا در بیست‌وهفت‌سالگی به سـینما آمد. این سن برای حضور درخشان یک بازیگر در سینما کمی زیاد است، با این حال بهداد در نخستین حضور سینمایی خود در فیلم «آخرین‌بازی» همایون اسعدیان(۱۳۷۹) موفق شد «نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد» از جشـنواره فیلم فجر شود. حضور طوفانی او در سینما به همین‌جا ختم نشـد و او بار دیگر با نامزد شدن برای دریافت سیمرغ بلورین به‌خاطر بازی در نقش مکمل فیلم سینمایی «روز سوم»(محمدحسین لطیفی)، ثابت کرد که حضورش در سینما اتفاقی نبوده است. بهداد در اغلب فیلم‌هایش افتخار آفریده است که از آن نمونه می‌توان به «بوتیک»، «این زن حرف نمی‌زند»، «کافه‌ستاره»، «جرم»، «آرایش غلیظ» و «هفت دقیقه تا پاییز» اشـاره کرد. اما ایـن روزها و در آستانه چهل‌وشش‌سـالگی، او دو فیلم را روی پرده دارد. «جاندار» و «قصرشیرین» دو فیلمی هستند که بهداد در هرکدام به شکل متفاوتی ظاهر شـده است. بهداد انگار درست در زمانی که حدود ۲۰سال از حضورش در سـینما می‌گذرد، تازه به اوج خود رسیده است و باید همچنان منتظـر اتفاقات چشـمگیر دیگر باشیم. به‌نظر می‌آید بهداد با بازی در «قصرشیرین» فصل تازه‌ای در بازیگری خود را رقم زده‌است؛ فصلی که خـود او درباره‌اش می‌گوید: «باید اتفاق می‌افتاد». نقشی که بهداد برای بازی در آن، در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجـر، نامـزد دریافت سیمرغ شد و در بیست‌ودومین جشنواره فیلم شانگهای چین موفق شد جایزه بهترین بازیگر مرد را به خود اختصاص دهد.

زندگی با موسیقی

۱ حامد بهداد و هنر موسیقی

شکیبا افخمی راد| چند سالی می شود که تب خوانندگی میان بازیگران داغ شده‌اسـت، به‌طوری که بسـیاری از بازیگران در این سال ها تشویق شده‌اند که حتی به‌صورت کم‌رنگ، حضور در این عرصه را تجربه کنند؛ اتفاقی کـه انتقادهای اهالی موسـیقی را به‌همراه داشته‌است.

محمدرضا گلـزار، مهران مدیـری، حامد بهداد، کامران تفتی و احسـان کرمی ازجمله بازیگرانی هستند که حضور در عرصه موسـیقی را تجربه کرده‌انـد و گاهی نیـز اهالی موسـیقی آن‌ها را به سوءاسـتفاده از شهرتشـان متهـم کرده‌اند؛ اتهامی که برای یکی از این بازیگران قطعا صدق نمی‌کند.

حامد بهداد، هنرمند مشهدی، هرچند که همچون دیگر بازیگران پا در عرصه خوانندگی گذاشـته، سعی کرده است از اعتبار و شهرتش برای معرفی گروه‌های موسـیقی تازه‌کار به‌ویژه آن‌ها که در شهر خودش، مشـهد فعالیت می‌کنند، استفاده کند.

به گفته خود بهـداد، او با گروه‌های موسـیقی زیادی آشـنا شـد، تا اینکه این هنرمند سال ۹۴ به‌منظور حمایت از هنرمندان عرصه موسـیقی، تهیه کنندگی آلبوم موسیقی «سَمبَل»، اثری از یک گروه مشـهدی، را برعهده گرفت. بهداد در همان زمان در مراسم رونمایی از این آلبوم، درباره دلایل حمایتـش از گروه‌های موسیـقی گفت: در مشهد و حومه این شـهر، گروه‌های فعالی را می‌شناسم که دوست دارم از آن‌ها حمایت کنم. موسیقی زیرزمینی معنی و مفهوم دیگری برایم داشت؛ موسیقی‌ای که به آمدن روی زمین میل دارد. درواقع این موسیـقی‌ها سیاسی نبود و فکر کردم باید حمایت شود.

به این ترتیـب حامدبهـداد با ورود بـه عرصه تهیه کنندگی موسیقی، کاری را انجام داد که خود اهالی موسیقی کمتر برای یکدیگر انجام می‌دهند. جدا از بحث تهیه کنندگی آلبوم موسیقی، بهداد در فعالیت‌هـای خوانندگی‌اش نیـز متفاوت از دیگـر بازیگران عمل کرده‌است. او جزو معدود هنرمندان سینماست که موسیقی محلی و نواحی را می‌شناسد و در سـبکی به غیر از پاپ فعالیت می‌کند. بهداد در سـال ۱۳۸۸ با گروه دارکوب فعالیتش را به‌صورت حرفه‌ای در عرصه خوانندگی آغاز کرد و سال ۹۶ نیز در کنسرت ده‌سالگی این گروه روی صحنه رفت. در این کنسـرت همایون نصیری، سرپرست گروه دارکوب، از حامد بهداد به‌عنوان روح دارکوب یاد کرد.

بهداد در طول این سال‌ها چندین تک آهنگ نیز به‌صورت مستقل منتشر کرده اما هیچ زمان سراغ انتشار آلبوم نرفته‌است. او در گفت‌وگویی درباره فعالیت هایش درزمینه خوانندگی گفته‌اسـت: باید صادقانه اعتراف کنم که صدای خوبی ندارم؛ البته علاقه‌ام به موسیقی و اسـتعدادم در این زمینه را انکار نمی‌کنم و همکاری‌ام با گروه‌های حرفه‌ای، گواه این مسئله اسـت و اگر قرار باشد بین خواندن و مردن یکـی را انتخاب کنم، قطعا انتخاب من خواندن خواهد بـود. من می‌خواهم سـاز بزنم و آواز بخوانم و به قضاوت‌های سـطح پایین و دلخـراش هم اهمیتـی نمی‌دهم. فعلا میلی برای انتشـار آلبـوم ندارم اما اگـر زمانی بخواهم برنامـه‌ای اجرا کنـم، ترجیح می‌دهم یک اجـرای زنـده خیریه باشـد کـه در آن از دستمزد خبری نباشـد و از شـهرتم در این راه اسـتفاده کنم. بهداد به‌تازگی پسـتی در صفحه شخصی خود در اینسـتاگرام منتشر کرده‌است که او را درحال نوازندگی گیتار الکتریک نشـان می‌دهد؛ پستی که می‌تواند گواهی بر عزم جدی او در عرصه موسیقی باشد.

زندگی با موسیقی

۲ درباره «عشق من: حامد بهداد» که این روزها درحال اجراست

شـریف شـیرزاد| ابراهیـم مکـی، نمایشـنامه‌نویس مشـهور، پیش از انقلاب، نمایشـنامه‌ای نوشـت به‌نام «رضا بیک ایمانوردی» که بعدهـا آن را در کتاب «تک پرده»، در کنار ۱۱ نمایشنامه دیگر که اجرای آن‌ها با حداقل امکانات میسـر بود، منتشـر کرد. این اثـر، همان‌طور که از نـام آن برمی‌آید، درباره هنرپیشه‌ای مشهور و پرکار است که زمانی دربین سینماروها هواداران بسـیاری داشت. نوذر آزادی، کارگـردان تئاتر، در سـال ۱۳۵۶ اجرایـی از این نمایشـنامه را عرضه کرد. حدود چهار دهه بعد، یعنی در سـال ۱۳۹۳، افشین هاشـمی، بازیگر و کارگردان تئاتر و سینما، اثری منتشر کرد که «عشق من: حامد بهداد» نام دارد. این نمایشـنامه صورت به‌روزشده همان نمایشـنامه مکی است. چنان‌که هاشمی گفته اسـت، او تلاش کرده است که مغز «رضا بیـک ایمانوردی» را در «عشـق من: حامد بهداد» حفظ کند. ممکن است چنین به‌نظر برسد که می‌شد به‌جای استفاده از نام حامد بهداد از نام سوپراسـتارهایی دیگر همچون شـهاب حسینی یا محمدرضا گلزار یا حتی جمشـید آریا استفاده کرد(استفاده از نام جمشـید آریا پیشنهاد محمد رضایی‌راد بوده اسـت)، اما این‌طور نیسـت، زیرا، همان‌طور که خود هاشـمی نیـز در مصاحبه‌ای یادآوری کرده اسـت: «آنچه در این نمایش گفته می‌شود بیشتر از همه راجع‌به حامد بهداد باورپذیر است، با آن جنس از شوری که بهداد دارد.» باری،

نمایشنامه اخیر یک کمدی سبک شامل گفت‌وگوی دو جوان است که یکی‌شان شـیفته بهداد است و دیگری هم از علاقه‌مندان سینماسـت. این هردو که در یک کافه باهم روبه‌رو می‌شوند سخت مشتاق دیدن هنرپیشه‌های محبوب خود، ازجمله بهداد، هستند. چنان‌که پیداست، «عشق من: حامد بهداد» کاملا مناسب اجراهای محیطی است و مثلا می‌توان آن را در یک کافی‌شاپ مناسب ارائه کرد، کمااینکه برخی کارگردان‌هایی که تاکنون این نمایشنامه را روی صحنه برده‌اند، ازجمله خودِ هاشـمی که در اجراهای محیطی سـابقه دارد(بازی او در «لارنس راهب، مردی که حرف می‌زنـد» را ببینید) و نیز شکرخدا گودرزی که از استادان هاشمی بوده‌است، چنین کرده‌اند. اخیرا، ارسـطو خوش‌رزم، بازیگر و کارگردان جوان تئاتر، نیز صورتی دیگر از «عشـق من: حامد بهداد» را عرضه کرده است که دو بازیگر اصلی آن خود او و جواد خواجوی، اینفلوئنسر و بازیگر مشهدی، هستند. این اجرا تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با سایر اجراهای این نمایشنامه دارد؛ ازجمله شباهت‌ها می‌توان به وفادار بودن آن به متن اصلی اشاره کرد و ازجمله تفاوت‌ها به اینکه، برخلاف عمده اجراها که در یک کافه بوده است، این اجرا در یک سالن تئاتر برگزار می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد هیچ‌کدام از این شباهت‌ها یا تفاوت‌ها فی‌نفسه سود یا زیانی به‌حال این نمایش نداشته است، الا یکی از آن‌ها که همان حضور خواجوی باشـد. خواجـوی در این نمایش ایفاگر نقش اصلی اسـت؛ یک مشهدی که عاشق بهداد است. چنان که می‌دانیم، او بیشتر شهرت خود، بلکه همه آن را مدیون هنرنمایی‌های خود ازطریق لهجه مشهدی اسـت، و بهداد هم اهل مشهد است. انتخاب اینکه نقش اصلی اهل مشهد باشد، به‌منظور ایجاد انسجام بیشتر، کاملا به‌سود نمایش تمام شده است. کارگردان به‌خوبی از این عنصر بهره برده است و ازطریق آن، عمق پیوند نقش اصلی با بهداد را بهتر نشان داده اسـت. خواجوی در «عشـق من: حامد بهداد» با استفاده از همه امکاناتی که دراختیار دارد یا دراختیارش گذاشته‌اند، از تقلید صدا و فیزیک پویا گرفته تا بداهه‌پردازی و شکستن دیوار چهارم و حتی ارجاع به کارهای خود(نام نقش او نیز «جلال» است)، با قدرت تمام نقش یک مشهدی پرچانه لاف‌زن اما ساده‌دل را ایفا می‌کند که به‌راحتی مخاطبان را با خود همراه می‌سـازد و به خنده وامی‌دارد. نقش او در این نمایش تابدان‌جاست که حتی وقتی دیالوگ ندارد نیز در کانون توجهات است. خواجوی فرمانروای بی‌چون‌وچرای صحنه این نمایش اسـت و بایست پذیرفت که «عشق من: حامد بهداد»، بیش از آنکه اثر خوش‌رزم باشـد، متعلق به اوسـت. اگر دوست دارید یک کمدی مفرح ببینید، دیدن این نمایش را از دست ندهید.

صاحب خبر

فیلم‌برداری «لامینور» به پایان رسید

بهزاد| داریوش مهرجویی بعد از شش سال دوری از فیلم‌سـازی، امسال سـاخت بیست‌وهفتمین فیلم بلند سـینمایی‌اش را با نام «لامینور» آغاز کرده‌است. این فیلم که ۲۵شهریور جلوی دوربین رفته بـود، در روزهای گذشـته فیلم‌برداری‌اش به پایان رسـیده و وارد مراحل فنی شـده است. آن‌طور که از اسم فیلم تازه مهرجویی و همچنین تصویر اولیه فیلم که پردیس احمدیه را در حال نواختن ساز سـنتور نشـان می‌دهد، پیداست، مهرجویی بـار دیگر به‌سـراغ موضوعی در حوزه موسـیقی رفته اسـت. درکنار پردیس احمدیه، بازیگرانی چون علی نصیریان، سـیامک انصاری، بیتا فرهی، علی مصفا، مهـرداد صدیقیان، بهناز جعفری، امرا... صابری، رضـا داوودنژاد و فریماه فرجامی در این فیلم به ایفـای نقش می‌پردازند. کاوه آفاق، خواننده مطرح، نیـز با حضور در فیلم مهرجویی، اولین تجربه سینمایی‌اش را پشت‌سر خواهد گذاشت.

پیش از این در خبرها آمده بود کـه اولین اکران «لامینور» در جشـنواره فیلم فجر امسال خواهد بود اما تا این لحظه عوامـل فیلم هنوز فرم حضور در جشنواره را پر نکرده‌اند. باید دید آیا در روزهای باقی‌مانده، کارگـردان و تهیه‌کننـده فیلم، فرم جشنواره را پر می‌کنند یا ترجیح می‌دهند فیلمشان را با حاشیه‌های کمتر در زمان دیگری اکران کنند. لازم به ذکر اسـت که تهیه‌کنندگی «لامینور» را رضا درمیشـیان، کارگردان فیلم‌های «عصبانی نیستم» و «لانتوری»، برعهده دارد.

رویداد

یک جایزه؛ سهم مشهد از جشنواره فیلم کوتاه تهران

«فیلمرغ» در بخش کتاب و سینما برگزیده سوم شد

نگار راد| سی‌وششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران که از ۱۸آبان آغاز به کار کرده بود، جمعه‌شب با اعلام نام برگزیدگان این دوره به کار خود پایان داد. در این دوره، سه فیلم «ضدضربه» به کارگردانی عادل تبریزی، «شوفر» به کارگردانی رضا نجاتی و «فیلمرغ» به کارگردانی امیرمسعود سـهیلی به‌عنوان نمایندگان مشهد در جشنواره حضور داشتند. در این بین، تنها «فیلمرغ» توانست جایزه بخش کتاب و سینما را کسب کند. فیلم‌نامه «فیلمرغ» اقتباسـی از قصه «راه‌وچـاه»، یکی از داستان‌های خالد نویسا، نویسـنده افغانستانی، اسـت. این فیلم کوتاه، ماجرای مینی‌بوسـی را روایت می‌کند که از شـهری به کابل می‌آید و در آن، افراد مختلفی با داسـتان‌های متفاوت حضور دارند. درمیان مسافران پیرمردی است که آخرین آرزویش، رساندن فیلمرغ(در زبان فارسی دری به معنی بوقلمون است) به نوه‌اش است. امیرمسعود سهیلی پیش از این نیز در جشنواره بین‌المللی فیلم آوانکای پرتغال برای فیلم کوتاه «فیلمرغ»، موفق به کسب تندیس بهترین فیلم شده بود.

رویداد

ارج عثمان

با حضور داریوش ارجمند از عثمان محمدی‌دوست تقدیر شد

هنری| آخـر هفتـه گذشـته از عثمـان محمدی‌دوسـت با حضور داریوش ارجمند، سینماگر مشهدی، در زادگاهش تقدیر شد. این مراسم در سالن شهیدمدرس شهر خواف برگزار شد و با استقبال جمع بی‌شماری از اهالی هنر و هنردوسـتان همراه بود. در این همایش که اداره‌کل فرهنگ‌وارشاد اسلامی استان برگزار کرد از ۷۰سـال فعالیت هنری و خیرخواهانه استاد عثمان محمدی‌دوست معروف به عثمان خوافی تقدیر شد.

همچنیـن داریـوش ارجمنـد، هنرمنـد مشهدی تئاتر سینما و تلویزیون، از تندیس عثمان محمدی‌دوسـت رونمایی کرد. ادامه این مراسـم بـا اجـرای گروه‌هـای گوناگون موسـیقی مقامی و رقص محلی همـراه بود.

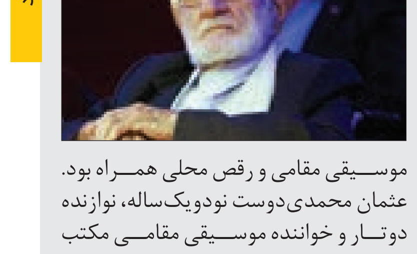

عثمان محمدی‌دوست نودویک‌ساله، نوازنده دوتـار و خواننده موسـیقی مقامی مکتب شرق خراسـان اسـت که تاکنون افتخارات و جوایز بسـیاری را در عرصه موسـیقی کسب کرده است.